

مشارکت اجتماعی، هدیه قرآنی به زنان مسلمان

قرآن برای رسیدن به یک مدینه فاضله و جامعه‌ای کاملاً آرمان‌گرا زن را یک محور فعال همه جانبه می‌داند که افزون بر آن که می‌تواند به هجرت و جهاد بپردازد، توانایی پرورش و تربیت انسان‌های کامل را در دامن خویش، به حق ولایت و سرپرستی در حیطه خانه، خانواده و جامعه نیز دست پیدا کند.



قرآن برای رسیدن به یک مدینه فاضله و جامعه‌ای کاملاً آرمان‌گرا زن را یک محور فعال همه جانبه می‌داند که افزون بر آن که می‌تواند به هجرت و جهاد بپردازد، توانایی پرورش و تربیت انسان‌های کامل را در دامن خویش، به حق ولایت و سرپرستی در حیطه خانه، خانواده و جامعه نیز دست پیدا کند.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، خداوند مقام و منزلت زن را به درجه‌ای از الوهیت رسانده که سوره‌ای با نام نساء را در قرآن کریم آورده است. بر اساس تعبیر قرآن، زن باید بتواند در خانه و خانواده وظایف همسری و مادری‌اش را به بهترین حالت ممکن انجام داده و سپس پا به عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی بگذارد. در فعالیت‌هایی متشخص که ارزش وجودی و اعتبار زن را زیر سؤال نبرده و خدشه‌دار نسازد.

خداوند در قرآن، زنان توانمند را محق دانسته تا علم و دانش اندوخته و با بهره‌مندی از شمع اقتصادی کارآمد، مدیریت خویش را در زمینه‌های گوناگون در جامعه اسلامی و در حیطه ارزش‌های تأییدی اسلام به اجرا گذارند.

دوری و انزوای زنان از مشارکت در اجتماع یکی از مواردی است که قرآن کریم با آن به مخالفت پرداخته و آن را نشأت گرفته از تعصب‌های جاهلی می‌داند. آیه 19 سوره مبارکه نساء مصداق این سخن است. «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (1)

با تدبر در آیه شریفه بالا، در می‌یابیم که مضمون کلام خدا تنها به امور مربوط به خانواده محدود نشده و وسعت بیشتری را شامل می‌شود. گاهی جهل دینی و کج فهمی‌های فرهنگی که به اشتباه در جامعه به عنوان عرف اجتماعی جا افتاده اند، سبب می‌شود زنان نتوانند حضوری فعال در اجتماع داشته باشند. این در حالی است که اسلام همواره زنان را به شرکت و فعالیت در امور پزشکی و پرستاری، آموزش و پرورش و مشاوره امور زنان ترغیب کرده است.

از سوی دیگر رجل سیاسی می‌تواند با بهره‌گیری از احساسات منعطف زنان، با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری‌های مقرر در چارچوب‌های مشخص از آراء و نظرات ایشان استفاده‌های لازم را ببرند.

به طور کلی می‌توان فعالیت‌های اجتماعی - خدماتی زنان را در اجتماع به چند بخش عمده تقسیم کرد؛

الف) مقابله با فقر و تنگدستی

ب) حضور زنان در مسائل امنیتی

ج) نقش پاسداری از نهاد خانواده (3)

نقش فقرزدایی زن در جامعه

خداوند متعال در قرآن کریم حق مالکیت را برای زنان و مردان به طور یکسان قائل شده و می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ برای مردان و زنان از آنچه کسب می‌کنند، بهره‌ای است.» (3)

از سوی دیگر حق تملک و تصرف را نیز به شکل یکسان برای زن و مرد قرار داده و آن‌ها را تنها ویژه مردان نمی‌داند. البته قابل تذکر است که خداوند سرپرستی و حق تصرف در اموال فرزندان را در اختیار قیم یا وصی قرار داده که خود مشمول قوانین مشخصی است. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛ اموالی را که خداوند وسیله پایداری زندگی شما قرار داده، در تصرف کم خردان قرار ندهید و خوراک و پوشاک آن‌ها را از مال خودشان تهیه کنید و به خوبی با آنان سخن گوید... آن‌گاه که آن‌ها را توانمند بر درک مصالح و مفاسد زندگی خود یافتید، اموال‌شان را در اختیار قرار دهید.» (4)

«فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ؛ اگر مدیون، سفیه است یا کوچک است و یا این که قدرت امضا کردن ندارد، پس بایستی ولی او با رعایت عدالت امضا نماید.» (5)

اموالی که خداوند در اختیار بشر قرار داده، اماناتی هستند که موجب پایداری زندگی انسان شده و بایستی از دسترس بی‌خردان و سفیهان (زن و مرد) دور مانده و در صورت لزوم، ولی و سرپرستی بالغ و عاقل، که با حالی نیکو با آن‌ها هم سخن بوده، مدیریت امورشان را بر عهده بگیرد؛ تا زمانی که به درک و شعور ارزیابی و نگهداری امور زندگی خود برسند، در این میان انسانی که ولایت و سرپرستی زن و مرد سفیه یا کم سن و سال و یا یتیمان را بر عهده گرفته بایستی تا زمان رسیدن به رشد جسمانی و عقلانی آن‌ها با رعایت عدالت و اطاعت امر حق، صاحب امضایشان نیز باشد.

در تفسیر این کلام مقدس، بر خلاف نظر بعضی از مفسران، زنان تنها مصداق (السفها) نیستند و امور اقتصادی‌شان کاملاً به اختیار

مردانشان نیست. «وَأَتُوا التَّيَّاسَةَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً؛ مهریه زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر در اختیار آنان قرار دهید.» مهریه یکی از موارد مهمی است که جز اموال زن با حق تملک و تصرف به حساب می‌آید. (6)

با توجه به سخنان ذکر شده، اصلی‌ترین و نخستین کلام قرآن آن است که هر زنی همپای مرد در جامعه انسانی حق دارد که کاملاً صاحب اختیار اموال منقول و غیر منقول خود بوده و به هرگونه که بخواهد توانایی دخل و تصرف در اموال را دارد. با چنین مقدمه‌ای پای زن به عرصه مبارزه با فقر در اجتماع همانند مردان باز شده و می‌تواند انفاق‌گری شایسته باشد. چنانچه خداوند در مصحف مجید می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ همانا برای مردان و زنان مسلمان... و مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده... خداوند بخشش و پاداش بزرگی مهیا نموده است.» (7)

زنان در این آیه بر اساس کلمه (المتصدقات) مخاطب خاص خدا قرار گرفته و به انفاق در راهش دعوت شده‌اند؛ از سوی دیگر وعده پاداشی عظیم و شایسته از جانب پروردگار به آن‌ها در برابر انفاقی که می‌کنند داده می‌شود.

قرآن کریم، خودکفایی، تملک و تصرف زنان و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مانند رسیدگی به فقر و بیچارگی جامعه، یاری رساندن و نیکی به فقرا و نیازمندان را سنت پیامبر الهی می‌داند و آن‌ها را تشویق نیز می‌کند.

این حدیث پیامبر(ص) در پاسخ به پرسشی بود که زینب همسر عبدالله بن مسعود به وسیله بلال از حضرت(ص) پرسیدند که آیا انفاق و صدقه از زنان پذیرفته است؟! روایت این چنین است که «به عبدالله گفتم: از پیامبر بپرس که آیا انفاق من بر تو و یتیمان خودم جای صدقه را می‌گیرد یا نه. عبدالله گفت: خودت از پیامبر بپرس. من راهی منزل پیامبر(ص) شدم، هم زمان دیدم زن دیگری نیز برای پرسیدن همین پرسش بر در خانه پیامبر(ص) حضور دارد، در آن هنگام بلال نیز رسید و ما پیشنهاد کردیم که او پرسش ما را مطرح کند، وقتی بلال سؤال را مطرح کرد، پیامبر(ص) از هویت ما پرسید و بلال گفت که زنی از انصار و زینب پشت در هستند؛ حضرت فرمود: کدام زینب؟ بلال گفت: همسر عبدالله. آن‌گاه پیامبر(ص) فرمود: آری، [در این عمل] اجر صله رحم و پاداش صدقه هر دو جمع است.» (8)

لذا زنان در همه امور مالی و مالکیتی خویش حق اختیار و آزادی کامل دارند و تنها با یک شرط معذور و محروم از این قاعده می‌شوند، آن شرط نیز مورد سفیه، نادان و صغیر است.

زنان در عرصه مقاومت و جهاد

عبارت‌های شیرین و شیوای قرآنی همچون: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ» و «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» بیان گر فضائل زنان، قدرت حفظ و صیانت از خویشتن در برابر فسادها و بی‌بندوباری‌ها و مبارزه با هر محیط فاسد اجتماعی است. از سوی دیگر قرآن مجید، توانایی زنان در تقابل و رویارویی با دشمنان جامعه را برابر قدرت مردان می‌داند. نمونه‌های بارز بسیاری از صدر اسلام تاکنون و نیز پیش از اسلام در تاریخ وجود دارد که نشان دهنده استقامت بی‌نظیر زنان در برابر ستم و مبارزه با دشمنان خدا و دین اسلام است. آسیه زن فرعون شخصی بود که در برابر شرک و ظلم فرعون، با اعتقاد به توحید و یگانه پرستی و برای رهایی از اعمال ظالمانه فرعون تا پای جان به تنهایی ایستادگی کرد و خانه‌ای را در بهشت نزد پروردگار، از مقام ربوبی‌اش طلب کرده و در آن با قلبی مطمئن تا ابد جای گرفت. (9)

دیگر نمونه تاریخی از قدرت مقاومت زنان در برابر ظلم و فساد و مبارزه با دشمنان اسلام، نخستین شهید زن تاریخ اسلام سمیه مادر یاسر و همسر عمار، از یاران پیامبر(ص) است که با حفظ ایمان خود و برای رضای خدا و رسولش جان‌فشانی کردند و زیر بار شکنجه مشرکان و کفار صدر اسلام به مقام رفیع شهادت رسیدند. آنان به وعده پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) صبر و پایداری پیشه کردند و بهشت موعود خداوند را به دست آوردند.

از دیگر مشارکت اجتماعی زنان طبق آیات قرآن، سنت و احادیث نبوی می‌توان گفت؛

نخست؛ حضور فعالانه زنان در بیعت گرفتن پیامبر(ص) از مردان و زنان به طور یکسان

دوم؛ پایداری و مقاومت سازنده زنان، همپای مردان در جامعه در هجرت، جهاد در راه خدا و تحریم در شعب ابی طالب

سوم؛ امر به معروف و نهی از منکر

در زمان پیامبر اکرم(ص) پیمان عقبه دوم، با مفادی مشخص به توافق میان انصار و مسلمانان رسید که عبارت بود از: «اطاعت امر از پیامبر اسلام در همه حال، چه جنگ و صلح، فداکاری و ایثار در راه پیامبر(ص) و عدم مخالفت و دشمنی با خاندان مطهر و برگزیده پیامبر در خلافت و زمامداری امور، مطیع امر حق بودن در همه حال به طوری که از ملامت و نکوهش هیچ انسان سرزنش کننده مخالف دین نترسند و سست اراده نشوند.» (10)

حضرت پیامبر(ص) همان‌گونه که از مردان حاضر بیعت گرفت، از زنانی چون نسیمه دختر کعب، اسما بنت عمرو و حدیله دختر مالک، بیعتی برابر گرفت. (11)

میان هجرت و جهاد که دو حرکت بزرگ تاریخی در اسلام هستند، یک رابطه مستقیم و محکم وجود دارد. رابطه‌ای که گاهی برای ادامه مبارزه با شرک، طاغوت و ستمگری‌های زمانه به وجود آمده و سبب می‌شود انسان‌های با ایمان، چه زن و چه مرد، بی‌هیچ تفاوتی وطن خود را ترک کنند و برای جهادی قوی‌تر و پیروزمندانه‌تر در سرزمینی دیگر به دستور پیامبر(ص) و امام زمان(عج) خود آماده شوند.

روزهای نخستین اسلام که حضرت پیامبر(ص) دعوت به دین خود را تازه آغاز کرده بودند و هجرت‌های زیادی صورت می‌گرفت، زنانی چون ام سلمه از اینکه فضیلت هجرت و جهاد در راه خدا مختص مردان و آیه برای آنان نازل شده باشد، ناراحت بود. سپس ام سلمه به پیامبر(ص) عرض کرد: «ای رسول خدا! نشنیده‌ام که خداوند درباره هجرت زنان چیزی بگوید!» (12) آن‌گاه این آیه نازل شد: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِی لَا أُضِیْعُ عَمَلَ غَامِلٍ مِّنْکُمْ مِّنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُکُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِّنْ دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِيلِی وَقَاتِلُوا قَتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ؛ پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود]: من عمل هیچ صاحب عمل شما را از زن و مرد که همه از یکدیگرند، تباہ نمی‌کنم. پس کسانی که هجرت کرده و از خانه خود رانده

شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدی‌هایشان را می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی درمی‌آورم، که از زیر آن نهرها روان است این پاداشی است از جانب خدا.» (13)

این آیه مبارکه نیز، مشارکت زنان و مردان با ایمان را در اجتماع برای جهاد و هجرت در راه خدا گرمی داشته و اذهان را با خواندنش به دو اصل قرآنی رهنمون می‌سازد؛

نخست؛ تشابه خلقت و وحدت نوعی زن و مرد

دوم؛ ضایع نشدن حق زنان و بها داشتن عمل زن و مرد نزد خداوند به طور یکسان.

قرآن کریم، اصل هجرت را برای زنان به عنوان یک فعالیت مشارکتی خداپسندانه در اجتماع، به رسمیت شمرده و از دیگر مسلمانان که با زنان مهاجر روبه‌رو شده‌اند می‌خواهد تا آنان را به شکیبایی و پایبندی به ایمان شان امتحان کنند و در صورت حفظ ایمان و صبوری، در برابر کفار از آنان محافظت کنند.

مصدق این کلام آیه مبارکه سوره ممتحنه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا؛ ای مؤمنان! هرگاه زنان با ایمان هجرت کرده نزد شما آیند، آنان را بیازمایید، خداوند به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را با ایمان یافتید، به سوی کفار بازنگردانید که نه زنان هجرت کرده برای کفار حلال‌اند و نه کفار برای آنان.» (14)

در پی هجرت زنان با ایمان، همزمان جنگ‌هایی نیز میان پیامبر(ص) و دشمنان اسلام بود که پای آن‌ها را به میدان جنگ کشاند. زنان شرکت کننده در جنگ افزون بر آن‌که وظیفه آب رسانی، درمان و پرستاری را بر عهده داشتند، به رویارویی با دشمنان نیز می‌پرداختند و شجاعانه می‌جنگیدند.

زنانی همچون نسیم دختر کعب که گفته است: «در جنگ احد با مشک آب خود را به پیامبر(ص) رساندم؛ آن حضرت را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود. هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر(ص) پیوستم و به شکل مستقیم وارد جنگ شدم. به قصد دفاع از پیامبر(ص) شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم.» (15)

قرآن برای رسیدن به یک مدینه فاضله و جامعه‌ای کاملاً آرمان‌گرا، زن را یک محور فعال همه جانبه می‌داند که افزون بر آنکه می‌تواند به هجرت و جهاد بپردازد، توانایی پرورش و تربیت انسان‌های کامل را در دامن خویش، به حق ولایت و سرپرستی در حیطة خانه، خانواده و جامعه نیز دست پیدا کند.

خداوند زن را در مقام مادر، همسان پدر بر فرزندان مسلط می‌داند و حق اطاعتش را تا جایی که به شرک الله نرسد، لازم و واجب سفارش کرده است.

باب مدیریت و حوزه تدبیر زن در اجتماع

حضرت محمد(ص) با بیان این حدیث شریف، زنان را در اجتماع جز دارندگان و شایستگان مدیریت برتر نشان داده و مسئولیت آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. «و المرأة راعية على أهل بيت زوجها و ولده و هي مسؤولة عنهم؛ زن، نگهبان خانواده و فرزندان شوهر خویش است و در همین باره، مورد بازخواست قرار می‌گیرد.» (16)

خانواده و فرزندان

اطاعت از مادر با بالاترین درجه احسان به او، هر چند که فرزند یا به سن بگذارد و یا به مقام بالای علمی-اجتماعی برسد، واجب است. این امتیاز برای مادران، حق سرپرستی و مدیریت را در تمام ابعاد جامعه ایجاد می‌کند؛ چرا که همه فرزندان با مهر مادری دانا و مؤمن بزرگ شده و با کسب لیاقت‌ها، دانایی‌ها و خصائل اخلاقی، سازمانگر و بنیانگذار جامعه‌ای می‌شوند که مصداق همان مدینه فاضله خواهد بود.

قرآن حکیم در راستای پاسداری از ارزش‌های انسانی و جلوگیری از گسترش فساد و بی‌ارزشی‌ها در زندگی‌های فردی و اجتماعی، ایده جالب و قابل توجه‌ای را ارائه داده که در آن(زن و مرد، پیر و جوان) هیچ‌گونه تفاوتی با یکدیگر ندارند.

بر این اساس زنان می‌توانند حتی به کنترل پدران و شوهران خود پرداخته و بر تمام کارهای آنان نظارت داشته باشند.

در پایان اینگونه نتیجه می‌گیریم که هر زن در عین انجام وظایفش در خانواده، بی‌هیچ منع اسلامی می‌تواند به فعالیت‌های ویژه خود در جامعه بپردازد و معنای مشارکت اجتماعی را کامل کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و زنان با ایمان همه اولیای هم هستند که به کار پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند. نماز را برپا می‌دارند، زکات را می‌پردازند و از خدا و پیامبر(ص) فرمان می‌برند. آنان را خداوند به زودی مشمول رحمتش قرار می‌دهد. همانا خداوند پیروزمند و حکیم است.» (17)

جعفریان

9466/704/r

منابع

1. سوره نساء آیه 19
2. جوادى آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص 369-371.
3. سوره نساء آیه 32
4. سوره نساء آیات 5 و 6
5. سوره بقره آیه 282
6. طبرسی، مجمع البیان، ص 72.

7. احزاب، آیه 35.
8. بخاری، صحیح البخاری، ج 1، ص 256.
9. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 202.
10. ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 356.
11. همان، ج 2، ص 67.
12. واحدی، اسباب النزول، ص 8.
13. سوره آل عمران آیه 195
14. سوره ممتحنه آیه 10
15. ابن هشام، السيرة النبوية، ج 3، ص 91
16. صحیح البخاری، کتاب الاحکام، باب قوله «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول»، حدیث 7138.